

جراحی مهم رئیس جمهور آمریکا موجب احیای هژمونی می شود؟

چرا ترامپ آموزش را به اتاق عمل برد



ندا اظه‌ری

مترجم

۲۰ مارس، مصداق با آخرین روز اسفند ماه بود که خبر انحلال وزارت آموزش آمریکا مردم این کشور را شوکه کرد. دونالد ترامپ که از ماه‌ها پیش و در آستانه در دست گرفتن دولت، از تصمیم خود برای لغو فعالیت وزارت آموزش خبر داده بود، سرانجام آن را عملی کرد. او در اقدام اجرایی مورد انتظار خود، حکم تعطیلی این

بحران ملی

۳ هزار میلیارد دلاری!

در بیانیه ۲۰ مارس، کاخ سفید تعطیلی این وزارتخانه را توجیه کرد و مدعی شد که از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۷۹، وزارت آموزش بیش از ۳ هزار میلیارد دلار هزینه کرده بدون اینکه پیشرفت قابل توجهی در دانش آموزان و دانشجویان حاصل شود. هریسون فیلدز، معاون سخنگوی کاخ سفید طی بیانیه‌ای در تأیید این ادعا، پایین آمدن نمرات دانش آموزان و دانشجویان را یک بحران ملی عنوان کرده و اظهار داشت که تصمیم جدید ترامپ می‌تواند با کنترل وضعیت، نتایج بهتری را برای آنها به همراه داشته باشد. سناتور بیل کسیدی، رئیس کمیته بهداشت، آموزش، کار و بازنشستگی سنا نیز در تأیید تصمیمات ترامپ، این وزارتخانه را در مأموریت خود شکست‌خورده دانست. از سسوی دیگر، بودجه‌های فدرال بخش کوچکی از بودجه مدارس دولتی را بین ۶ تا ۱۳ درصد تشکیل می‌دهند و بخش عمده این بودجه‌ها از ایالت‌ها و مالیات‌های محلی تأمین می‌شود. بودجه‌های فدرال عمدتاً برای کمک به مدارس در خدمت آسیب‌پذیرترین دانش‌آموزان و دانشجویان کشور، شامل میلیون‌ها دانش‌آموز روستایی و کودکان معلول است.

دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴

شماره ۴۳۸۰

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

زمینه‌های حذف یک وزارتخانه

بنیاد «هریتیج» در این سند پیشنهادی عنوان کرده است که سیاست آموزش فدرال باید محدود بوده و در نهایت، وزارت آموزش فدرال حذف شود. به عبارتی، با اعمال قدرت، دانش‌آموزان، دانشجویان و خانواده‌ها باید توانمند شوند، نه دولت. در جامعه کثرت‌گرای آمریکا، این افشار باید آزاد باشند تا از میان مجموعه‌های مختلفی چون مدرسه، محیط‌های آموزشی و غیره، مناسب‌ترین فضا را برای آموزش انتخاب کنند که به بهترین وجه با نیازهای آنها مطابقت داشته باشد.

تمرکززدایی از سیستم آموزش

طراح ایده حذف وزارت آموزش آمریکا معتقد است آینده آزادی آموزش و اصلاحات در ایالت‌ها روشن است و امید می‌رود که با حذف مقررات و تشریفات اداری واشگنگتن، این آینده درخشان‌تر شود. بودجه‌ای که از سوی فدرال صرف وضع قوانین و مقررات می‌شود، هزینه‌های تحصیل را بدون پیشرفت قابل توجه در دانش‌آموزان و دانشجویان افزایش می‌دهد. این روند تا جایی پیش می‌رود که هزینه‌هایی که مالیات‌دهندگان فدرال صرف تأمین بودجه برنامه‌های آموزشی می‌کنند، باید بدون هیچ‌گونه محدودیتی به ایالت‌ها اعطا شود و نیاز بسیاری از بروکرات‌های فدرال و ایالتی را از بین ببرد.

نفوذ ایدئولوژیک در آموزش عالی آمریکا

یکی از انتقادهایی که در این پروژه در آموزش عالی آمریکا به شدت مورد توجه قرار گرفته، نفوذ ایدئولوژی‌های چپ‌گرا در فضاهای دانشگاهی و اثر بخشی آن بر روند آزادی بیان در دانشگاه‌ها و فضاهای آموزشی و نیز فرایند پژوهش است که می‌تواند مانع از فعالیت‌های آزاد دانشجویان و محققان شود.

مهارت‌محوری به جای محوریت مدرک

آنچه در متن پیشنهادهای پروژه ۲۰۲۵ بنیاد «هریتیج» آمده، تأکید دارد

وزارتخانه را امضا کرد که در آن از «لیندا مک‌ماهون» وزیر آموزش آمریکا خواسته شد تا تمام اقدامات لازم را برای تسهیل تعطیلی وزارت آموزش و بازگرداندن اختیارات آموزش به ایالت‌ها و جوامع محلی انجام دهد. ترامپ این فرمان را در مراسمی در کاخ سفید، در کنار ۱۲ دانشجوی حاضر و فرمانداران جمهوری‌خواه نگراس، ایندیانا، فلوریدا و اوهایو امضا کرد و اظهار داشت: «ما آموزش را به راحتی به ایالتی که متعلق به آن است، برمی‌گردانیم.» دولت جدید از اوایل فوریه، تصمیم خود را برای انحلال وزارت آموزش

«پروژه ۲۰۲۵»، یک راه ابتکاری سیاسی برای تغییر شکل

دولت فدرال آمریکا و تثبیت قدرت اجرایی به نفع سیاست‌های جناح راست است. این پروژه، خلاصه‌ها جامعی از سیاست‌های محافظه‌کارانه نیست بلکه ایده‌هایی در این سند برای تغییر و بهبود شرایط آمریکا مورد اشاره قرار گرفته است. در بخشی از این پروژه، ناکارآمدی وزارت آموزش بیان و پیشنهاد حذف آن و واگذاری اختیارات به ایالت‌ها مطرح شده است. براساس دستور اخیر، ترامپ متعهد شده است که جریان‌های مالی فدرال، از جمله کمک‌های مالی و وام‌ها به قوت خود باقی بماند. نورین فارل، مدیر اجرایی «سازمان حامیان حقوق برابر» آمریکا مدعی شده است که قانون جدید، قدرت را به ایالت‌ها بازمی‌گرداند اما به طور مؤثر نظارت فدرال را حذف می‌کند؛ نظارتی که آموزش را برپا و برای همه دانش‌آموزان، صرف‌نظر از جنسیت، نژاد، وضعیت توانایی یا پیشینه اقتصادی تضمین می‌کرد. البته نگرانی‌هایی در مورد تأثیر برنامه‌های آموزشی با رویکردهای اجتماعی و فرهنگی خاص وجود دارد.

«پروژه ۲۰۲۵» در آوریل ۲۰۲۳ توسط بنیاد «هریتیج»، به‌عنوان یک اندیشکده محافظه‌کار آمریکایی، در پیش‌بینی پیروزی نامزد

که وام‌ها و کمک‌های مالی دانشجویی باید در نهایت به بخش خصوصی بازگردانده شود یا حداقل دولت فدرال نقش خود را به‌عنوان ضامن، به جای وام‌دهنده مستقیم بازنگری کند. سرمایه‌گذاری‌های آموزش عالی فدرال باید رشد اقتصادی را تقویت کند، مؤسسات دریافت‌کننده باید آزادی علمی را تغذیه کنند و تنوع فکری را بپذیرند.

سیاست فدرال باید فراتر از یارانه های گسترده، ناکارآمد و بی پایان به کالج‌ها و دانشگاه‌های سنتی باشد. بلکه این سیاست‌ها باید برای تمرکز بیشتر بر تقویت مهارت های نیروی کار در آمریکا که هیچ علاقه ای به ادامه تحصیلات چهارساله آکادمیک ندارند، بار دیگر اصلاح شده و به وضعیت متعادل برگردد. از این رو، این سیاست‌های اصلاح‌شده باید تصویر کامل‌تری از یادگیری پس از دوره متوسطه را منعکس کند به طوری که برنامه‌های متنوع کارآموزی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را باید در یک کفه در مقایسه با مدارک کسب‌شده از کالج‌ها و دانشگاه‌ها قرار داد. سیاست آموزش عالی فدرال به جای ادامه حمایت از یک مؤسسه آموزش عالی، باید دانش‌آموزان و دانشجویان را برای حضور در مشاغل در اقتصاد پویا آماده کند، تنوع نهادهای را پرورش داده و مدارس را در معرض نبروهای بازار قرار دهد. درواقع، از جمله مسائل مهم سیستم آموزش در آمریکا، انتقاد از عدم تمرکز کافی نظام آموزش آمریکا بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به جای آموزش سنتی است که طی یک دوره چهارساله اتفاق می‌افتد.

انترگذاری اتحادیه های معلمان

از منظر محققان و نویسندگان بنیاد «هریتیج» که در نگارش این پروژه مشارکت داشته‌اند، نقش اتحادیه‌های معلمان در نظام آموزشی، جزء مسائلی است که در سیستم آموزش آمریکا مطرح می‌شود. به گونه‌ای که بسیاری از کارشناسان و مقامات آمریکا، با قدرت اتحادیه‌های معلمان و نقشی که در لابی‌گری در آموزش عالی دارند مخالف‌اند. آنها معتقدند

آمریکا علنی کرده بود؛ اما اجرایی شدن آن به چند ماه بعد موکول شد. از چند هفته پیش از اجرایی شدن این دستور، ترامپ اخراج گسترده‌ای را در وزارت آموزش آغاز کرده بود. طبق آمار، ترامپ این وزارتخانه را با حدود ۴ هزارو ۱۳۳ کارمند از دولت قبل تحویل گرفته بود که حدود ۶۰۰ نفر از آن زمان یا استعفا داده، یا بازنشسته شده و یا به اختیار خود کار را ترک کرده‌اند. یک هفته پیش از انحلال وزارتخانه، ۱۳۰۰ نفر دیگر نیز به بهانه تعدیل نیرو از کار بیکار شدند. به این ترتیب، ۲ هزارو ۱۸۳ کارمند در این بخش

ایدهٔ حذف وزارتخانه چگونه شکل گرفت؟

جمهوری‌خواه دونالد ترامپ در انتخابات منتشر شد. در میان نویسندگان مختلفی که این پروژه را نگارش کرده‌اند، «لیندزی برک» نو یسنده اصلی بخش آموزش است. او به‌عنوان مدیر مرکز سیاست آموزشی در بنیاد «هریتیج» روی پژوهش‌ها و سیاست‌های این بنیاد در مورد مسائل مربوط به دوره‌های پیش دبستانی، دوره‌های ابتدایی تا متوسطه و اصلاحات آموزش عالی نظارت می‌کند. تحقیقات «برک» در کنفرانس‌های آکادمیک ارائه شده و در مجلات معتبر از جمله فصلنامه علوم اجتماعی، تحقیقات آموزشی و ارزیابی، و مجله انتخاب مدرسه و نیز نظرات و نوشته‌های او در مجلات و روزنامه‌های متعددی منتشر شده است.

او با حضور در برنامه‌های مختلف تلویزیونی و رادیویی پیرامون مسائل مربوط به اصلاحات آموزشی در سراسر کشور و در سطح بین‌الملل صحبت می‌کند و تاکنون ارزیابی‌های متعددی از گزینه‌های انتخاب آموزش برای بنیادهای سیاست عمومی در سراسر کشور منتشر کرده و کارهای گسترده‌ای را در حوزه شکل‌دهی و ارزیابی حساب‌های پس‌انداز آموزش (ESAS) انجام داده است.

که معلمان با نفوذی که در قالب اتحادیه‌ها می‌توانند در این سیستم داشته باشند، می‌توانند بر سیاست‌های آموزشی آمریکا نیز تأثیرگذار باشند.

اثر منفی همه‌گیری کرونا

همچنین در این سند اشاره شده است یکی از موضوعاتی که توانست سیستم آموزشی را در آمریکا به شدت تحت تأثیر قرار دهد، وقوع همه‌گیری کووید-۱۹ بود که باعث شد یک سال به طور کامل فرایند یادگیری در میان دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی تا متوسطه و حتی دانشجویان دچار اختلال شود که همین امر، رکود و حتی ضعیف نظام آموزشی را به دنبال داشت.

ناکامی و شکست سیاست‌های فدرال در بهبود نتایج آموزشی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این پروژه خطاب به وزارت آموزش مطرح شده مداخله دولت فدرال در بخش آموزش است که نتوانسته نقش مؤثری در پیشرفت و ارتقای دانش‌آموزان و دانشجویان داشته باشد. پس از صرف هزاران میلیارد دلار هزینه از سال ۱۹۶۵ برای برنامه‌های جمعی که اکنون به دیوار اداره‌ها آویزان شده‌اند، نتایج تحصیلی دانشجویان ثابت باقی مانده که همین امر با نوعی می‌توان شکست سیاست‌های فدرال در بهبود نتایج آموزشی عنوان کرد.

براساس فرایند اصلی آزمون ملی پیشرفت آموزشی (NAEP)، نتایجی که از دانش‌آموزان در حوزه خواندن در سال ۲۰۲۲ به دست آمد، در ۳۰ سال گذشته بدون تغییر باقی مانده و در ادامه کاهش عملکرد ریاضی حتی نگران‌کننده‌تر از عدم پیشرفت دانش‌آموزان در نتایج حاصل از آن‌ها در خواندن است.

نمرات ریاضی دانش‌آموزان کلاس‌های چهارم و هشتم بیشترین کاهش را از زمان انجام آزمون‌ها در سالال ۱۹۹۰ داشته است. میانگین نمرات

باقی مانده بود. در نظرسنجی‌هایی که رسانه‌های مختلف در اواخر فوریه در این رابطه انجام دادند، ۶۳ درصد از آمریکایی‌ها با تعطیل شدن وزارت آموزش مخالفت کردند، در حالی که تنها ۳۷ درصد از تعطیلی آن حمایت کردند. با این وجود، چرا ترامپ دست به چنین اقدامی زده است؟ در ادامه مسیر قرار است چه اتفاقی بیفتد و آمریکا چگونه بدون وزارت آموزش، فرایند آموزشی را در ایالت‌های مختلف مدیریت خواهد کرد؟ آیا دسترسی دانش‌آموزان و دانشجویان به آموزش‌های مختلف و برابر تضمین خواهد شد؟

نقش وزارت آموزش

در فرایند آموزشی در آمریکا

نویسنده بخش وزارت آموزش پروژه ۲۰۲۵ به بیان گوشه‌هایی از تاریخچه شکل‌گیری این وزارتخانه پرداخته است. نگاهی به تاریخ آمریکا نشان می‌دهد دولت فدرال اغلب نقش کوچکی در آموزش داشته است. کنگره با اجرای یک دوره ۱۴ ماهه که از سال ۱۹۶۴ کلید خورد، بذرهایی را برای ایجاد وزارت آموزش آمریکا کاشت. سپس با وضع قانون آموزش دوران ابتدایی و متوسطه در سال ۱۹۶۵ (ESEA) و قانون آموزش عالی سالال ۱۹۶۵ (HEA)، به دنبال بهبود نتایج آموزشی برای دانش‌آموزان محروم از طریق تأمین بودجه جبرانی مازاد برای کودکان و دانشجویان کم‌درآمد بود. هزینه‌های این دو قانون بخشی از طرح مبارزه با فقر بود که در سال‌های بعد به طور تصاعلی رشد کرد. تا سال مالی ۲۰۲۲، علاوه بر ۱۹۰ میلیارد دلاری که از طریق صندوق‌های امداد اضطراری مدارس ابتدایی و متوسطه به دست آمد، برنامه‌های ۲۸ میلیارد دلاری نیز اعتبار دریافت کردند. در همان سال، این وزارتخانه بیش از ۲ میلیارد دلار صرف مجوز وام‌های دانشجویی فدرال و کمک‌های مالی Pell کرد و نیز ۲۳ میلیارد دلار کمک‌های مالی Pell را ارائه داد و بر هزینه‌های حدود ۱۰۰ میلیارد دلار وام مستقیم دانشجویی نظارت داشت.

ریاضی دانش‌آموزان کلاس چهارم، پنج امتیاز و میانگین نمرات ریاضی دانش‌آموزان کلاس هشتم ۸ امتیاز کاهش یافته است. تنها یک‌سوم دانش‌آموزان پایه هشتم در سطح کشور در زمینه خواندن و ریاضیات مهارت دارند. در این میان، فقط ۲۷ درصد از دانش‌آموزان کلاس هشتم در سال ۲۰۲۲ در درس ریاضیات دارای مهارت بوده و این آمار برای دانش‌آموزان کلاس هشتم در همان سال برای درس خواندن، تنها ۳۱ درصد بوده است. ارزیابی روند بلندمدت طرح «آزمون‌های ملی پیشرفت آموزشی» (NAEP) به نوعی بیانگر رکود تحصیلی از دهه ۱۹۷۰ است. این رکود از کاهش نمرات خواندن دانش‌آموزان ۱۳ ساله از سال ۱۹۷۱ هم‌زمان با اجرایی شدن این بررسی‌ها اجرا شد. نمرات ریاضی اگرچه به‌طور نسبی بهبود یافته‌اند اما همچنان ضعیفند و در مقایسه با انتظاری که در روند افزایش نمرات با راه‌اندازی وزارت آموزش وجود داشت، نتوانست انتظارات لازم را برآورده کند.

بروکراسی

در سیستم آموزشی و افزایش تعداد کارمندان

از دیگر چالش‌هایی که در سند به آن تأکید شده، این است که دستورها، برنامه‌ها و اعلامیه‌های فدرال افزایش استخدام در میان آژانس‌های آموزشی دولتی را باعث شده، به‌طوری‌که در حال حاضر بیش از ۴۸ هزار کارمند در سازمان‌های دولتی در سراسر کشور مشغول فعالیتند. ایس‌ن کارمندان بیش از ۱۰ برابر تعداد کارمندان (۴۴۰۰ نفر) در وزارت آموزش فدرالند و شغل آن‌ها عمدتاً مستلزم ارائه گزارش به واشنگتن است. به‌عبارتی افزایش تعداد کارمندان غیر آموزشی در مدارس و اداره‌های آموزشی ایالتی به دلیل مقررات فدرال مشکل‌ساز شده است. تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد دولت فدرال ۴۱ درصد از هزینه‌های حقوق و دستمزد آژانس‌های آموزش ایالتی را تأمین می‌کند.

بدون وزارت آموزش چه بر سر آموزش عالی آمریکا می‌آید؟

بخش مرکزی برای بروکرات‌ها و دستگاه‌های بروکراسی است. «جین آلن»، مؤسس و مدیرعامل مرکز اصلاحات آموزشی که منجر به گسترش فرصت‌های آموزشی بهتر در بخش آموزش می‌شود، معتقد است هدف پیشنهادهای آموزش عالی درواقع آزادسازی بودجه و جلوگیری از اعطای مستقیم آن به مؤسسات و ایجاد یک فضای رقابتی برای دانشگاه‌های عالی است تا این مؤسسات پولی برای پرداخت به لابی‌گران در اختیار نداشته باشند. این‌گونه، برخی دانشگاه‌ها و مؤسسات، کمک‌های مستقیمی را مشابه برخی دیگر از دانشگاه‌های بزرگ‌تر یا تخصصی‌تر در یافت می‌کنند.

حفظ پرداخت وام‌ها و خدمات دانشجویی

طبق فرمان اجرایی ترامپ، با لغو وزارت آموزش، وام‌ها و کمک‌های بلاعوض به دانشجویان همچنان ادامه خواهد داشت. این اداره بزرگ‌ترین منبع اعطای وام به دانشجویان آمریکاست. مانده وام معوق در آمریکا برای نزدیک به ۴۳ میلیون دانشجوی وام‌گیرنده حدود هزار و ۷۰۰ میلیارد دلار است. درواقع ارائه مؤثر و بدون وقفه خدمات، برنامه‌ها و مزایایی تضمین خواهد شد که آمریکایی‌ها بر آن تکیه دارند و در عین حفظ ارائه این خدمات، در آینده‌ای نزدیک به آژانس‌ها و بخش‌های مختلف توزیع می‌شوند. از قرار معلوم ایالت‌ها وظایف این وزارتخانه را بر عهده خواهند گرفت.